



# ویژگی مدیریت

## در شوراها

□ دکتر محسن نیازی<sup>۱</sup>  
عضو هیات علمی دانشگاه کاشان  
محمد کارکنان نصرآبادی<sup>۲</sup>  
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

### چکیده

می‌رسد، مهم‌ترین ویژگی اجتماعی و عمومی رئیس شورای شهر، اعتماد فردی و اجتماعی او در سطح شهر می‌باشد. بر مبنای این اعتماد رئیس شورا باید متعهد، مسؤلیت‌پذیر، صادق، دارای تحصیلات مناسب، آگاه از وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهر، دارای وقت کافی، مسلط بر قوانین و مقررات شورا و شهرداری باشد و انسانی با پشتکار و جدی، دارای نفوذ اجتماعی، مقبول بین اعضاء، مورد پذیرش اجتماعی، دارای توان مدیریتی، محور وحدت، مجرب، با تقوا و دیندار، با تجربه، متخصص، منظم در امور، شجاع و نترس، مردم‌دار، عدالت‌محور، دلسوز، مشورت‌پذیر، رازدار، باگذشت، دارای روحیه مشارکت‌پذیری، متواضع، خدمت‌گذار، امانتدار و در یک کلام دارای سرمایه اجتماعی بالایی در سطح جامعه باشد تا بتواند در مسند عضو فعال یا مسؤل شورا در جهت اهداف شورا و شهر و شهرداری گام بردارد.

**واژگان کلیدی:** شورای اسلامی شهر و روستا، رهبری، اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی، پذیرش اجتماعی، توان مدیریتی

بسیاری از مردم و بعضی از رهبران مشهور سیاسی، رهبر را فردی می‌دانند که بتواند مردم و پیروان خود را کنترل نموده، به اطاعت وادارد، در حالی که یک رهبر خوب باید راه و رسم نفوذ در مردم، شکل دادن به مردم و تغییر دادن آن‌ها به سوی توسعه اجتماعی و اقتصادی را بیاموزد. رئیس یا رهبری که به زور و قدرت بر پیروان خود تأثیر می‌گذارد، رئیس نیست. ریاست اگرچه یک نوع قدرتمندی است ولی قدرتی است که در کنار مردم و دیگر اعضاء است، نه بالای سر آن‌ها؛ به عبارت دیگر باید بین رئیس و اعضاء یک رابطه دو سویه وجود داشته باشد. در این مقاله به این موضوع پرداخته شده است که یک عضو شورای اسلامی شهر و روستا باید از نظر اجتماعی از چه ویژگی‌هایی برخوردار باشد تا به عنوان عضو فعال و مسؤل انتخاب، بتواند هم‌درجهت اهداف شورا، شهرداری و منفعت مردم گام بردارد و هم بتواند ارتباطی همدلانه و صمیمی بین اعضاء شورا به وجود آورد و از تمام توانایی‌ها و استعداد‌های دیگر اعضاء و مردم در راستای توسعه محلی استفاده ببرد. بر این اساس به نظر

## مقدمه

اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و در واقع یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی در جامعه در نظر گرفته شده است. اعتماد اجتماعی هم به عنوان جزئی ذهنی و نیز به عنوان علت و هم به عنوان پیامد و معلول سرمایه اجتماعی می‌باشد. اعتماد اجتماعی از شرایط و الزامات عمده و کلیدی برای موجودیت هر جامعه به شمار می‌آید.

اعتماد اجتماعی مفهومی است که در فرایند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماع با همدیگر تبلور می‌یابد. اعتماد، احساس روابط اجتماعی است و رابطه مستقیم با میزان روابط اجتماعی دارد؛ بدین صورت که هر چه میزان اعتماد اجتماعی میان افراد، گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی به جامعه بیش‌تر باشند، به همان میزان، روابط اجتماعی از شدت، تنوع، ثبات و پایداری بیش‌تری برخوردار است؛ بنابراین اعتماد اجتماعی نتیجه‌ی تعاملات اجتماعی موجود و گروهی انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است، به‌ویژه چنان‌چه این اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد به عنوان یک سرمایه با ارزش تلقی می‌گردد. اعتماد در متن کنش‌های انسانی، به ویژه در آن دسته از کنش‌هایی که جهت‌گیری معطوف به آینده دارند نمود پیدا می‌کند و آن نوعی رابطه کیفی است که به تعبیر کلمن<sup>۱</sup> «قدرت عمل کردن را تسهیل می‌کند.» اعتماد آسان‌کننده مبادلات در فضای اجتماعی است که هزینه‌ی مذاکرات و مبادلات اجتماعی را به کم‌ترین حد می‌رساند؛ برای حل مسائل مربوط به نظم اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و عنصر پیش‌قراردادی و مقدم حیات اجتماعی است. به تعبیری مفاهیم مربوط به اعتماد به‌طور بالقوه روابط اجتماعی را توصیف می‌کنند که در بردارنده تمایزات افقی بین حوزه‌های مربوط به فضای عمومی و شخصی است (از کیا و غفاری، ۲۸۳: ۱۳۸۳).

از طرف دیگر رهبری یک صفت ارثی و فطری

نیست، بلکه رهبری<sup>۲</sup> یک نوع تعامل اجتماعی<sup>۳</sup> تخصصی و یک فرآیند دوجانبه، تبادلی و گاهی تحول‌ساز است که طی آن یک همکاری یا عضو اجازه می‌یابد ضمن تأثیرگذاری بر دیگر اعضا و مردم، به آن‌ها انگیزه بدهد تا به هدف‌های گروهی و فردی خویش برسند؛ بنابراین رهبری در شورا یک فرایند دوجانبه است که رئیس شورا، اعضا شورا و مردم در آن دخالت دارند و در این فرایند فقط این رئیس شورا نیست که بر اعضای شورا یا مردم تأثیر می‌گذارد چرا که رابطه رئیس شورا و اعضا شورا یک رابطه متقابل است. هر چند در فرآیند رهبری، رئیس شورا بیش‌ترین تأثیر را بر اعضای شورا و مردم دارد ولی باید تأثیر متقابل رئیس شورا و اعضا؛ همچنین مردم مورد توجه قرار گیرد. تأثیرگذاری به منظور نیل به اهداف است که عموماً جنبه‌ی همگانی دارد؛ همچنین رهبری و رئیس شورا یک مبادله اجتماعی و یک فرآیند تبادلی است؛ یعنی رئیس و اعضا شورا باید در جوی صمیمی و همدل، همکاری کنند و برای افزایش و پیشرفت اهداف مشترک خود و مردم با هم مبادله افکار، انرژی و مهارت نمایند؛ بنابراین یکی از نتایج بسیار مهم اعتماد اجتماعی رهبری در شورا، پاسخگو بودن رئیس شورا در برابر پرسش‌های دیگران است. پاسخگویی، عمل مسؤؤل ساختن فرد یا افرادی مشخص در قبال وظایف محوله و به عبارتی دیگر دلیل آوردن و دلیل خواستن برای کارهای انجام شده و وظایف انجام نشده است و اصول حاکم بر آن عبارت از: وجود تعریف شفاف از وظایف محوله، مشخص بودن مسؤؤل، غیرقابل تفویض بودن مسؤولیت پاسخگویی امور محوله، مستند و مستدل بودن پاسخ‌ها می‌باشد؛ بنابراین انتظار مردم از دریافت پاسخ مثبت به خواسته‌هایشان از طرف متولیان امور امری همگانی است یا به عبارت دیگر انتظار عموم از این که مقامات و کارکنان سازمان‌های دولتی در تعامل با عامه مردم که در این تعامل نوعی عدم اطمینان و عدم شناخت از نحوه‌ی انجام امور در سازمان‌های





دولتی وجود دارد به انتظارات عامه پاسخ می‌دهند نوعی اعتماد را به وجود می‌آورد که دارای سه بعد اعتماد اعتباری، اعتماد متقابل و اعتماد اجتماعی است (الوانی، ۱۳۸۰: ۲۳).

### ویژگی‌های اجتماعی

اعتماد اجتماعی به دلیل گستردگی حضور خود به دو گروه کلی «اعتماد صمیمانه» و «اعتماد تعمیم یافته» تقسیم می‌شود. اعتماد صمیمانه یا شخصی در محدوده کم؛ یعنی در بین افرادی که رابطه رودررو و نزدیک با هم دارند جریان می‌یابد، در حالی که اعتماد عام، تعمیم یافته یا اجتماعی محدوده وسیعی را شامل می‌شوند. به عبارت دیگر اعتماد عام را می‌توان داشتن حسن ظن نسبت به افراد جامعه، جدای از تعلق آن‌ها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف کرد. این تعریف از اعتماد موارد زیر را در بر می‌گیرد:

- ۱- اعتماد عام، تنها به افرادی که با هم تعامل دارند و روابط چهره به چهره برقرار می‌کنند محدود نمی‌شود.

- ۲- اعتماد تعمیم یافته حوزه‌ای از کسانی که با ما تعامل دارند یا بالقوه می‌توانند تعامل داشته باشند را در بر می‌گیرد.

- ۳- اعتماد تعمیم یافته مرزهای خانوادگی، همسایگی، قومی و محلی را در می‌نوردد و در سطح ملی گسترش می‌یابد.

- ۴- اعتماد تعمیم یافته پدیده به نسبت جدیدی است که همراه با شکل‌گیری دولت‌های نوین یا دولت - ملت مطرح شده است.

- ۵- اعتماد تعمیم یافته لازمه‌ی همکاری و مشارکت میلیون‌ها شهروندی است که جوامع پیچیده و نوین امروزی را تشکیل می‌دهند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

اعتماد از عناصر ضروری تقویت همکاری است و مستلزم پیش‌بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. پوتنام<sup>۴</sup> معتقد است: «شما برای انجام دادن کاری

صرفاً به این دلیل به او اعتماد می‌کنید که با توجه به شناختتان از خلق و خوی و انتخاب‌های ممکن او، تبعات آن و توانایی او حدس می‌زنید که او انجام‌دادن این کار را بر خواهد گزید.» (پوتنام، ۲۲۹: ۱۳۸۰).

در جوامع کوچک و به هم پیوسته این پیش‌بینی بر اساس چیزی انجام می‌شود که ویلیامز<sup>۵</sup> آن را «اعتماد صحیحی» می‌نامید. یعنی اعتمادی که به آشنایی نزدیک با این فرد بستگی دارد. اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر، اعتماد غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت دارد. (ازکیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۵۴)

بر اساس اعتماد اجتماعی متقابل رئیس یا رهبر شورا با دیگر اعضای شورا و نیز با شهروندان می‌توان انتظار داشت که مفهوم مسؤول پاسخگو شکل گرفته است. بر اساس میزان اعتماد اجتماعی رئیس و رهبر شورای شهر و روستا با سایر اعضای شورای شهر و نیز شهروندان، می‌توان ویژگی‌های اجتماعی زیر را برای رهبری در شورا مطرح نمود:

- ۱- آغازگری<sup>۶</sup>: فراوانی ایجاد، آسان کردن و پذیرش یا مقاومت در برابر اندیشه و فکرهای نو. رئیس شورا باید توانایی داشته باشد تا بتواند راهکارهای متفاوت را بررسی نماید و در برابر صاحبان اندیشه و ایده‌های خلاق، هم‌قدرت تجزیه و تحلیل و هم‌قدرت تشخیص داشته باشد. (ارونسون، ۱۳۸۰: ۱۸)

همچنین ارتباط خود با اعضاء گروه و مردم را مشخص نماید و در جهت برقرار ساختن الگوهای مشخص سازمان‌دهی شده و حرکت دادن اعضاء و توده مردم به سوی اهداف تعیین شده کوشش نماید. به عبارت دیگر، مسؤول شورا لازم است موارد زیر را مورد توجه قرار دهد:

- نگرش‌های خود را برای اعضاء و مردم به طور روشن و صریح بیان نماید.

- با نرمی و لطافت با دیگر اعضاء و مردم برخورد نماید.

- از کارکردهای ضعیف انتقاد نماید و راهکارهای



اعضاء استفاده می نماید و یک جمع بندی کلی و جامع از نظرات داشته باشد که هم شامل ایده ها باشد و هم بتواند اهداف عمومی شورا و مردم را برآورده سازد. وی باید سایر اعضا و مردم را برانگیزاند که به طور مستقل فکر کنند و در جهت منافع عمومی و شهر حرکت نمایند.

۵- سازماندهی<sup>۱</sup>: فراوانی دفاعاتی که رهبر کار خود را سازمان می دهد، کار سایر اعضا را نظم می بخشد و روابط بین اعضا را در ارتباط با عملکرد آن ها تنظیم می کند (براندل، ۱۳۸۰: ۱۷). رئیس شورا باید قدرت و توانایی این را داشته باشد که هماهنگی و انسجام لازم را میان سایر اعضای شورا؛ همچنین پویایی لازم را بین اقشار مردم به وجود آورد؛ روحیه ی افراد شورا را در بالاترین حد ممکن حفظ نماید و ناهماهنگی های بین اعضای شورا، مردم، طبقات، محله ها و نقاط مختلف را تا حد ممکن بر طرف نماید. وی با بالا نگه داشتن اخلاقیات، اعتقادات و تغییر نگرش ها، از شکل گیری باورهای غیرمنطقی و هر گونه تضاد و درگیری جلوگیری نماید و به طور کلی رئیس شورا با برنامه ریزی درست می تواند تعامل بین شورا و مردم را تحقق بخشد و گسترش دهد.

۶- تسلط<sup>۱</sup>: فراوانی دفاعاتی که رهبر، گروه را از

عمل یا تصمیم گیری یا بیان عقیده باز می دارد. رئیس شورا باید از این مهارت و تخصص برخوردار باشد که مانع تصمیم گیری و عمل نادرست و ناصواب باشد (کریمی، ۱۳۸۰: ۵۳). به عبارت دیگر رئیس شورا باید درک و فهم عمیق و درستی از مسائل داشته باشد تا بتواند درست تصمیم بگیرد. رؤسای شوراها باید بتوانند اطلاعات لازم را از اعضا شورا و مردم جمع آوری نمایند؛ با بیان مسأله آشنایی پیدا نمایند؛ خود و اعضا شورا به اظهار نظر درباره ی مسأله بپردازند؛ پس از تجزیه و تحلیل و تفسیر اطلاعات، رئیس شورا نسبت به عقاید سایر اعضا و کمیته های تخصصی واکنش نشان دهد و با تبیین اطلاعات و تبادل نظر به یک نگرش و بینش مشترک درباره

عملی ارائه نماید.

به شیوه ای ارتباط برقرار نماید که مورد سؤال قرار نگیرد.

سایر اعضا را به کارهای مشخص و معینی بگمارد و از نظر و ایده های نخبگان استفاده نماید. بدون برنامه و طرح وارد مسائل نشود. در حیطه ی مسؤولیت ها و وظایف، استانداردهای مشخص را رعایت نماید. - آگاهی لازم را از مسائل و مشکلات داشته باشد و در اولویت بندی ها، ضرب الاجل ها را مورد تأکید قرار دهد.

نظارت دقیق بر رعایت قواعد، مقررات و استانداردها داشته باشد.

از افراد و مردم در حد ظرفیت و توانشان کمک بگیرد. (براندل، ۱۳۷۱: ۹۳)

۲- در آمیختن: فراوانی اختلاط رئیس شورا با دیگر اعضا و مردم. رئیس شورا باید بتواند در مباحث و گفتگوهای گروهی و فردی اعضا و مردم شرکت نماید و قدرت تأثیر گذاری و تأثیر پذیری داشته باشد. رئیس شورا باید اطلاعات و پیشنهاد های لازم را از اعضا شورا و گروه های مختلف جامعه گرفته، در مورد مسأله

تصمیم گیری نماید.

۳- نمایندگی<sup>۲</sup>: فراوانی دفاعاتی که یک رهبر یا رئیس از گروه یا مردم با مسائل و مشکلات برخورد می کند و علایق گروهی را پیش می برد و از جانب آن ها دست به عمل می زند. (ستوده، ۱۳۸۲: ۵۶)

۴- یکپارچگی و یکپارچه شدن<sup>۳</sup>: فراوانی دفاعاتی که یک رئیس رفتار خود را فرعی می داند. جو گروهی خوشایند را تشویق می کند، تعارض بین اعضا را کاهش می دهد و سازگاری فردی با گروه را ترفیع می بخشد. (دیلتز، ۱۳۷۹: ۱۴۹) رئیس شورا باید توانایی این را داشته باشد که نخست فضایی صمیمی را به وجود آورد و امکان یکپارچه شدن اعضا را محقق کند، در عین حالی که از نظرات و ایده های تک تک

منابع:

۱- ارمکی، آزاد؛ کمالی، افسانه. (۱۳۸۲). «اعتماد، اجتماع و جنسیت». مجله ی جامعه شناسی ایران، شماره ۲، ۲-۲. الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۰). «مدیریت دولتی و اعتماد عمومی». دانش مدیریت، شماره ۵۵، ۳-۳. ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشر نی. ۴- ازکیا، مصطفی؛ فیروزآبادی، سید احمد. (۱۳۸۳). «سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکلهای تولیدی». نامه انجمن جامعه شناسی ایران. تهران: نشر آگاه، ص ۴۹ تا ۷۲. ۵- ارونسون، الیوت. (۱۳۸۰). روانشناسی اجتماعی. برگردان: حسین شکرکن. تهران: انتشارات رشد. ۶- براندل، ناتانیل. (۱۳۸۰). روانشناسی عزت نفس. برگردان: مهدی قراچه داغی. انتشارات نخستین. ۷- براندل، ناتانیل. (۱۳۷۱). روانشناسی حرمت نفس. برگردان: جمال هاشمی. انتشارات انتشار. ۸- دیلتز، رابرت. ان. ال. پی و رموز. (۱۳۷۹). موفقیت در مدیریت و رهبری. برگردان: مهدی قراچه داغی. انتشارات پیکان. ۹- ستوده، هدایت الهه. (۱۳۸۲). روان شناسی اجتماعی. انتشارات آوای نور. ۱۰- شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۷۲). پویایی گروه و مشاوره گروهی. تهران: انتشارات رشد. ۱۱- فورسایت، دانلسون، آر. (۱۳۸۱). پویایی گروه. برگردان: مهرداد فیروزبخت و منصور قنادان. انتشارات غزال. ۱۲- کریمی، یوسف. (۱۳۸۰). روانشناسی اجتماعی. انتشارات آرساران. ۱۳- کلاین برگ، اتو. (۱۳۷۰). روانشناسی اجتماعی. برگردان: محمدعلی کاردان. نشر اندیشه. ۱۴- کورمن، ک. آپراهام. (۱۳۸۱). روانشناسی صنعتی سازمانی. برگردان: حسین شکرکن. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.



پانویس:

- 1-Colman
- 2-Leadership
- 3-Social Interaction
- 4-Putnam
- 5-Williams
- 6-Initiation
- 7-Representation
- 8-Integration
- 9-Organization
- 10-Domination
- 11-Communication
- 12-Recognition
- 13-Production

موضوع یا موقعیت دست پیدا نماید. در مرحله بعد رئیس شورا با تسلط خود بر موضوع و موقعیت، تصمیم‌گیری نماید و در نهایت تلاش عملیاتی جهت اجرای تصمیم به عمل آورد.

۷- مبادله‌ی پیام<sup>۱۱</sup>: فراوانی دفعاتی که یک رئیس برای اعضاء خود اطلاعات فراهم می‌نماید؛ به عبارت دیگر هم‌خوراک فکری می‌دهد و هم از آن‌ها کمک فکری می‌گیرد. وی باید از آخرین اطلاعات و اکتشافات مورد نظر و تخصصی در حد امکان مطلع باشد (فورسایت، ۱۳۸۰: ۱۲۸). به عبارت دیگر رئیس شورا باید از سرمایه فرهنگی و فکری بالایی برخوردار باشد

تا از این راه بتواند به عنوان بازوی فکری و راهبری مناسبی برای جامعه به شمار آید.

۸- وجهه<sup>۱۲</sup> اجتماعی: فراوانی دفعاتی که رئیس یا رهبر به رفتارهایی که بیانگر تأیید یا عدم تأیید اعضاء گروه است، می‌پردازد. (کلاین برگ، ۱۳۷۰: ۶۲) رئیس شورا باید نسبت به رفتارها، عقیده‌ها و اظهارنظرهای گروه واکنش نشان بدهد. در مواقعه‌ای که خلاف قوانین، مقررات و منافع عمومی است تذکر بدهد و زمانی که ایده‌ها و عقاید در جهت اهداف شورا و منافع عمومی است تشویق نماید.

۹- مولد بودن<sup>۱۳</sup>: مواردی که یک رهبر سطح پیشرفت یا کوشش را مشخص می‌کند و یا اعضاء را به کوشش و پیشرفت بیش‌تر، فرا می‌خواند. (شفیع آبادی، ۱۳۷۲: ۳۲) رئیس شورا باید نیروی محرکه اعضاء شورا و مردم باشد، باید در بین اعضا انرژی و روح تازه تزریق نماید و با سیاست تشویق و ترغیب اعضاء شورا را جهت حرکت به سوی اهداف متعالی، هدایت و راهنمایی نماید.

۱۰- ویژگی بسیار مهم دیگری که می‌توان برای رهبری در شورا در نظر گرفت، برتری دادن منافع شخصی بر منافع فردی است. بر این اساس رئیس شورا باید از خواسته‌های شخصی خود فاصله گرفته، با در نظر گرفتن نیازها و خواسته‌های گروهی، مشارکت

عمومی مردم را برای رسیدن به اهداف فراهم نماید.

### نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت بحث رهبری شورای شهر و روستا در جامعه و تأثیر آن در روند توسعه و ویژگی‌های مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت؛

رئیس شورا باید تحول‌ساز باشد؛ یعنی باید انگیزه، اعتماد و خرسندی دیگر اعضاء شورا و مردم را با متحد کردن آنان و تغییر دادن باورها، ارزش‌ها و نیازهای آنان با توجه به اهداف، مسؤولیت‌ها و مأموریت‌ها بالا ببرد. با توجه به این که یک رهبر باید به دنبال اعمال نفوذ در دیگر اعضاء و مردم توأم با همکاری باشد نه اعمال قدرت صرف و به این نکته توجه نماید که در یک شورای چند نفره این تعدادی از اعضاء شورا یا تمام آن‌ها بوده‌اند که حق رئیس شورا را با اراده خود به وی تفویض کرده‌اند؛ بنابراین رئیس بودن در شورا یک فرایند انطباقی و هدفمند است که دیگر اعضاء را به سوی تحقق هدف‌های شخصی و گروهی رهنمون می‌نماید و به آن‌ها انگیزه می‌دهد. بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که مردم احترام خیلی زیادی برای رئیسان شوراهای شهر و روستا قایل هستند. نیم‌نگاهی به گفتگوهای مردم درباره‌ی انجمن شهر و شوراهای روستایی قدیم گویایی این مطلب است هر کجا که روستایی از جهاتی پیشرفت ننموده، یا از امکانات خاصی برخوردار نیست تیر سخن روانه‌ی شورا و یا کسانی که به نحوی در مداخلات عمومی شهر و روستا دخیل بوده‌اند می‌شود. به هر حال مردم پذیرفته‌اند، باید کسی باشد که زمام امور مردم را به دست گیرد و با همکاری و همدلی آنان به اهداف گروهی و عمومی دست یافت؛ بنابراین جای هیچ‌شک و تردیدی باقی نمی‌ماند که باید این مسند حکومت محلی را به دست فردی سپرد که علاوه بر این که دارای یک سری ویژگی‌های اجتماعی و عمومی است باید صاحب ویژگی‌های شخصیتی، جمعیت‌شناختی و اخلاقی نیز باشد.